کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: دانشنامهٔ جهان

مؤلف متن: علی بن علی امیران اصفهانی   محشی: -

شارح: -   مترجم: -

تاریخ تحریر: ۱۲۶۹   نوع خط: نستعلیق   تعداد سطر: ۱۹

موضوع: حکمت   زبان: فارسی   عدد اوراق: ۸۶

طول: ۲۶٫۱   عرض: ۱۷٫۵   شمارهٔ عمومی: ۳۱۱۶۷

وقفی / خریداری: دکتر فریدون مقتدری

تاریخ وقف: تیر ۱۳۸۴   نام کاتب: [illegible]

ملاحظات: کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد گالینگور مقوا

اهدائی جناب آقای دکتر فریدون مقتدری
به سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اهدائی جناب آقای دکتر فریدون مقتدری
به سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

بسم الله الرحمن الرحیم

سزاوار ستایش و سپاس مبدعیست که بافضای ذاتی اوکه این صاحب ناموس الهی بامر کن معرکشته جوهر
بسیط نفس مدرک بالذات منشأی مکونات که این حکیم باسم عقل کل خوانده اند تعیین یافته و بتوسط این
جوهر بجهت نقصان ظهور جوهر دیگر بسیط مدبر امور ممکنه که باسم نفس کل السانه حکما مسمی شده و از این
نفس کل فلک و ملک و نفس اختراع نموده و میان ماده و صورت ترکیب داده و عناصر را وجود بخشید و حرارت و برودت
و رطوبت و یبوست را در آن گنج ودیعت نهاده حرارت را باتش برودت را باب رطوبت را بهوا یبوست را
بخاک مخصوص و از این چهار کیفیت حرارت و برودت را قوت فعل بخشید و رطوبت و یبوست را قوت انفعال
رسید فعل حرارت تلطف و تفریق آمد و فعل برودت تکثیف و تعقید شد رطوبت بسبب قبول اشکال گشت و یبوست
سبب حفظ و نگاهداشتن اشکال و از تفاعل عناصر مزاجهای مختلف را پدید کرد و بسبب امزجه مختلفه انواع مرکبات را که کلیات
آن معادنست و نبات و حیوان بظهور آورده و هریک از این مراتب را بنفسی مخصوص گردانید و نفس ناطقه که اشرف
نفوس است انسانرا داده تا حقایق معقولات را بدان دریابد خواص این نوع را بمرتبه نبوت و حکمت برگزید
و سرور انبیا محمد صلی الله علیه و آله و سلم باعلی اطوار فرمخر گردانید صلوات الله علیه و آله الطیبین الطاهرین و بعد از

قیام بادای

۲

قیام بادای سطری چند از سپاس مبدع بنماید این کمترین بندگان خاندان مدعو بغیاث الدین علی بن علی امیران
الحسینی الاصفهانی که بزرگان جهان را روشن است که بیشترینه نفوس انسانی عمریست که او در معرض فنا و زوال است و رفع
این آفت تا که بر طبع که بمقتضی کل نفس ذائقة الموت لازم طبع نفوس است ممتنع و محال است و واقع نشده بنابرین هر خردمندان
باید که صاحب و رای ثاقب طریقی چند در استمداد کتب اسباب محالات قایم مقام تمام عمر انسان مجملاً بیش از آن ایام باقی ماند
چنانچه بدین معنی صاحب شرع خبر داده که الدنیا مزرعة الاخرة و دین طریق مستقیم را آثار خیر افعال پسندیده و ذکر جمیل نام
نیکو دانسته اند که آنچه از آن در مدت حیات نتیجه از عقب بیادگار میماند چنانچه بدین معنی حدیث مصطفی ناطقست که اذا مات ابن آدم ۲ میشود ۴
انقطع عمله الا عن ثلثة علم علّمه الناس و صدقة جارية و بنی بسبیل الله و ولد صالح یدعوا له بالخیر بود موید بر صدق این معانی در اخبار و نقلست
بصحت پیوسته که روزی در اثنای محاورات ارسطاطالیس اسکندر را گفت بخدای تعالی تا عمر جاودانی دهاد اسکندر گفت ای حکیم
از خدای چیزی خواستی که اجابت آن محالست حکیم گفت ای پادشاه عمر جاودان تو نام نیکوی تست از خدای بخود خلود که
تو خواستم و اجابت این دعا محال نیست و موید صدق این معانیست آنکه مضمون در بیان این خبر که اسکندر الحیات باقیه گفته الله
کدان از علم نیست دانسته پسندیده است که هر که این جامه پوشید نام نیکوی او جاودان بماند چنانکه کلمات ملحقات بکرد از آن
عقل سلیم دل ارباب فضل رسید خردمندانه متابعت اطراف آن پسندیده که اقدام نموده بر ترتیب این نوادر از
علم حکمت طبیعی که دانستن آن بطبیعتها و دیگر از عقبها بدانها بیشتر و بهره مند زیرکه تحقیق و مطالعه آن اقدام نماید احتیاج
باندیشهای بسیار و فکرهای قوی که در بدو مقاصد آن واقف و مطلع گردد و این شعبه ایست از علم حکمت که حکما آنرا علم آثار
علوی خوانده اند که آن دانستن بخارات و دخان و باد و صاعقه و کواکب منقضه و ذوات الاذناب و ابر و رعد و برق
و باران و برف و تگرگ و ژاله و قوس قزح و هاله و دانستن پیدا شدن زلزله و آب چشمه و کاریز و چاه و پیدا شدن
کاینات شبیه لعل و یاقوت و طلا و نقره و مس و قلعی و سرب و آهن و خارچینی و سیماب و گوگرد و امثال و نظایر اینها بدانها و علم
نبات و علم حیوان و علم انسان و ذکر بعضی از نکات در ترکیب تشریح اعضای آن مختتم گشته و انرا ترتیب بنام دانشنامه
جهان مخصوص میگرداند و ترتیب این نسخه مبنی بر چهارده فصل و بیست اصل و چهار نتیجه و خاتمه رباعی

منی در مرد و زن هر دو میباشد از ایشان منی ریخته میشود و بقضیب با بر رحم و هر یک از این دو دعا آنجا که
نزدیک بیضه است گشاده میباشد و بعد از آن بالا بر می آید و در نقره که علاقه بیضه از وی فرود آمده
مندس و پنهان میگردد و بار دیگر ظاهر میشود و میآید به بیضه و میرود بمجری و ممری که در قضیب میباشد و بیان
اوعیه منی زنان در تشریح رحم خواهد آمد و باید دانست که تشریح قضیب و ذکر و آلت فرود بر این وجه
بیان فرموده اند که عضویست آنچه که مخلوق شده است از رباطات و اعصاب و عضلات و عروق ضوارب
و ساکنه و در میان ایشان گوشت غدد و مانند سخیف و سست میباشد و سوراخ پیدا شدن قضیب
جسم مجوف که جوهر او از رباط است و عدیم الحس است و از دو استخوان عانه میروید و در قضیب سه
مجری و ممر باشد یکی ممر بول و دوم منی سیوم ممر ودی والغاظ و جنبانیدن و ایستاده شدن
قضیب بان میباشد که تجاویف او از باد پر میشود و نشر انیان او از روح و عروق او از دم و چون تمامی
عمل این عضو قضیب موقوف است بر بسیاری حرارت و حس و حرکت طبیعت حاکم شد با آنکه
عروق بسیار و اعصاب و عضلات بدین عضو متوجه گردند تا موجب حرارت و حس و حرکت
گردند باید دانست که بیشتر اعصاب این عضو نفوذ کرده شده و در آمده است در مکوه و حشفه
و ختنه گاه تا در وی حس لذت احتکاک و خاریدن پدید شود و چون لایق بحکمت است
که این عضو گاه محکم باشد و گاه سست گوشت او غددی و سست واقع شده و رباط
او مجوف و گشاده تا هر گاه که مواضع خالیه او از باد پر گردد محکم شود و چون از باد خالی شود
سست گردد **وصل سی و دویم** از تشریح رحم باید دانست که رحم عضو آلتی است که ماده زرعیه و
منی را قبول مینماید و محافظت میکند تا بکمال آنچه در وی ممکن است برسد و علمای تشریح
گفته اند که رحم گوئیا مقلوب آلت مرد است یا قالب در است چرا که همچو صفن و پوست خایه
و گردن رحم همچو قضیب است و تفاوت با نیست که آلت مردان بارز و شاخص و ظاهر است

درحم

درحم مجلس و پنهان میباشد در اندرون و نزدیک آخر شدن گردن رحم از دو طرف زوائد میباشد
که مانند دو شاخ و از این جهت آنرا قرنی رحم و دو شاخ رحم گفته اند و این رحم واقع میباشد
در میان مثانه و روده که آنرا مستقیم گفته اند بر وجهی که اندکی از رحم طرف بالا بر مثانه زاید است
و اندکی از مثانه از جانب زیر از رحم گذشته است تا این موضع است بر رحم همچون معادل این
و بالش نرم باشد چون جسم رحم بسیار قابل انحراف بود از فصح موضوع خود طبیعت
آنرا محکم گردانید لفافه که صلب در جسم از جسمی هستی یافته که شد در اقبول مینماید تا
نزد حمل متسع و گشاده گردد و بعد از وضع حمل فراهم آید و رحم را دو طبقه میباشد طبقه
درون او درشت میباشد بجهت آنکه بسیار احتیاج دارد بامساک لیفها که در وی میباشد
بیشتر آن مورب میباشد و در این طبقه و پنهانهاست که دم طمث بر رحم ریخته آنکه فوهات
این طبقه شبیه است بثقر ائتهاء الفر رحم گفته اند و این طبقه را نیک گردن میباشد و در غیر
آدمی عنق این طبقه منقسم میگردد بتجاویف و گاو اکیها البعد حلم انداز و مقدار گوشتهای
پستانها طبقه خارجه رحم عصب باشد و این طبقه مانند غشائیست محیط رحم باشد و رحم دارد قیت
حیض غلیظ و پر میباشد و در وقت طهر و قرار و پاکی تنگ میگردد و در رحم مجری و ممر ها
هست محاذی و مقابل فم فرج که از آن ممر خون حیض و فرزند و جنین بیرون می آید و از همان
ممر منی بر رحم در می آید و چون نطفه علقه میگردد آن ممر فراهم می آید بمرتبه که طرف میل از روی
نمیتواند در آمدن و بوقت حاجت بند بر طبیعت نتع و گشاده میکند و مجری و ممر
بول تا موضع دیگر است که نزدیکیست بفم رحم و هر گاه که مناضعت و مجامعت
نمود میشود بزرز رحم او منافذ میگردد و نزدیک می آید بفم فرج بجهت اشتیاقی که وارد
با اختطاف و ربودن منی مرد و از این جهت بعضی از حکما رحم را حیوان مشتاق بمنی نام کرده اند

در رقم رحم چند پرده تنک میباشد که انرا عذره و بکارت گفته اند و بوقت افتضاض وازالت بکارت آن پرده ها تنک میباید و دریا میشود آن پرده ها منتسج میباشند از عروق صغاری که تا پنجاز عضون رحم تمام شد تشریحات تمام اعضای ظاهری و باطنی آدمی که خاتمه کتاب دانش نامه جهان مشتمل بود بر این امید که ناظران کمال فایدا حاصل کند بحق محمد واله اجمعین

تمت الکتاب لعون الملک الوهاب بتاریخ بست و ششم ماه ذیحجه روز سه‌شنبه ۱۲۶۹ هجری کاتب الحروف اضعف العباد خاکپای آل نبی عباسعلی خان تحریر یافت

نسخه این کتاب از شوق تحقیق و قدردان فیض یک عالم و عالمیان اجتبی میرزا محمد جعفر صاحب بغدادی خلف الصدق میرزا طاهر صاحب مدظله قلمی شد